

اثر فقه‌رأی قوانین

اهلیت را تغییر و یاساقط کند و مادام که این اهلیت بموقع اجرا گذاشته نشده حق ثابتی را ایجاد نمیکند .

اصل عدم عطف قوانین بمسابق قابل اجرا در امور جزائی است باین معنی قانونی که عملی را جرم میدانند و تا آنوقت جرایم مرتکبه بموجب آن قانون تحت تعقیب نیامده و یا قانونی که مجازات جرمی را تشدید کرده بهیچوجه در باره جرائمی که سابقاً ارتکاب شده‌اند قابل اجرا نیست. از طرف دیگر قوانین جدید در باره جرائمی که هنوز تعقیب و محاکمه نشده قابل اجرا است در صورتیکه مجازات قوانین جدید خفیف‌تر از مجازات قانون قدیم باشد.

قانون جدید که بحال متهم مساعدتر از قانون قدیم است اگر محکومیت متهم حین اعلام اجرای قانون جدید (promulgation) قطعی شده باشد در باره او اجرانمیشود ولی اگر متهم از حکم محکومیت شکایت فرجایی نموده و قبل از رسیدگی دیوان کشور اعلام اجرای قانون جدید بعمل آمده باشد محکوم از قانون جدید استفاده خواهد نمود .

در باب دعاوی حقوقی ناشی از جنایت - جنحه - خلاف همیشه قانون وقت که دعاوی مزبور در زمان سلطه آن تولید نشده اند حکم فرما است .

دکتر طباطبائی - علیمحمد

هیئت منصفه از لحاظ تاریخی :

بنابقول مورخین هیئت منصفه بوضعی که فعلاً موجود است تقریباً دنباله همان هیئت‌هایی است که در قدیم در یونان وجود داشته و به هلیاست Héliastes معروف بوده اند .

هلیاست‌ها Héliastes همانطور که اسمشان عرفشان هست عبارت از افرادی بودند که در مبادین عمومی در هوای آزاد و در آفتاب در تحت ریاست فائمه یک هیئتی از قضات که شغل آن‌ها قضاوت بوده جمع میشدند و قضاوت میکردند. این هیئت منصفه یا هلیاست‌ها قضاوتشان دوجنبه بود یعنی در ضمن قضاوت هم تقریباً احکام حقوقی و هم امور واقع و جریانات حادث را در نظر می‌گرفتند ولی باید گفت که قضاوت آنها بیشتر جنبه موضوعی و فعلی داشت تا جنبه حکمی یعنی بیشتر محسوسات و واقعیات و امور بارز روزانه را در نظر می‌گرفتند تا مفاد لاشعور و گنگ و خشک و جامد قانون را .

بطوریکه گزوفنون مینویسد این هیئت‌های منصفه که از طبقات بنا ، کفاش ، عطار ، دوره گرد ، سنگتراش و غیره تشکیل میشدند با اینکه رل مهمی را بازی میکردند

بمناسبت اشتباهاتی که مرتکب شدند افتخاری چندانی از خود باقی نگذاشتند چه آنکه اشتباهاتی مرتکب شدند که تاریخ فراموش نمیکند از جمله آن اشتباهات تبعید آریستید Aristide و محکومیت سقراط بنوشیدن جام شوکران بود .

سقراط حکیم که نام او امروز در تاریخ حکمت جهان ثبت است و در عصر خود خدمتی عظیم به حکمت و دانش نموده است امروز مرده است ولی اشتباهی را که دادگاه و هیئت منصفه آنروز مرتکب شدند هنوز در خاطرها مانده است .

یک شکل دیگری از هیئت منصفه در رم قدیم وجود داشته که از لحاظ دموکراسی با هیئت های منصفه یونانی و هیئت های منصفه امروز تقریباً اختلافی داشتند زیرا هیئت منصفه رومی جنبه اشرافی داشت و از اعیان و اشراف کشور تشکیل میشد چه آنکه در رم طبقه بندی وجود میداشت که طبقات پائین از امتیازات بسیاری محروم بودند از جمله شرکت در هیئت منصفه و قضاوت بود است محقق است وقتی که قضاوت مختص با اعیان و اشراف باشد یا با اصطلاح به نوبل ها اختصاص پیدا میکند معلوم است تکلیف طبقات محروم چه خواهد بود .

مبنای پیدایش هیئت منصفه و رل آن در تاملین نظر مردم

عده برای اینکه افتخاراتی را نصیب هیئت منصفه بنمایند سعی دارند که تشکیل آنرا بدوره هائیکه تمدن پیشرفته است نسبت دهند ولی این سعی بیهوده است چه آنکه تاریخ نویسان مدارک مطمئن تری درباره دوره پیدایش آن بمانده اند .

تا قبل از ۱۲۱۵ مسیحی مجازات هایی که در باره متهمین اعمال میکردند خیلی وحشیانه و دور از انسانیت بوده ، این بود که در سال ۱۲۱۵ چهارمین شورای مذهبی لاتران Concile de Latran (لاتران قهری بود در رم قدیم که مدت ده قرن اقامتگاه پاپ بزرگ بوده) احکام درباره جنگهای تن به تن و سوزاندن اشخاص که یک شکل وحشیانه مجازات بوده Jugement de Dieu لغو کرد ؛ غیر معقول و مخافت احساسات بنظر میرسد که افراد بشر باشعور بتوانند اینطور فکر کنند که جنگ تن به تن و سوزاندن یکی از دلایلی فوق العاده مجرمیت باشد . دست های متهمین را در آب جوش گذاردن یا آنها را روی آهن گذاخته قرار دادن و یا اینکه از طریق دوئل یک فاتح کردن کلفت و قوی هیکلی یک بدبخت بیچاره ای را بر زمین بتوانند او را زیر خاک دفن کند طریق اثبات حقانیت نیست . این رویه وحشیانه قرون متعادی رواج داشته است . در سال ۱۲۱۵ شورای لاتران این نوع مجازات هارا منع کرد و کشیشان را نهی نمود که دیگر با این مجازات ها همکاری و شرکت ننمایند .

این نوع شکنجه ها با زهم تا انقلاب فرانسه وجود داشت این بود که مجلس مؤسسان در سال ۱۷۸۹ از وحشت این نوع مجازات ها از تشکیل ژوری ، یعنی هیئت منصفه ، استقبال کرد .

حال چرا هیئت منصفه از ۱۲ نفر تشکیل شده بحث بسیاری بعمل آمده است و این متد اول مرتبه در انگلستان متداول بوده شاید هم بلحاظ تقلید از هیئت ۱۲ نفره حواریون بوده باشد .

هیئت منصفه از لحاظ تاریخی

تارد Tard در کتاب فلسفه جزائی خود می‌نویسد: که هیئت منصفه تاریخ تشکیل اش از سال ۱۲۱۵ است برای اینکه انگلیسها از این مانع یعنی از اجرای فرمان شورای لاتران در مورد نهی مجازات های وحشیانه جنگ تن به تن سوزاندن و غیره بگذرند راه عاقلانه تری انتخاب کردند . بدین ترتیب که ۱۲ نفر از همسایگان متهم را جمع میکردند وقتی که متهم اعتراف بجرم خود نمینمود نظر وایمان این هیئت منصفه را درباره وجود جرم و عامل جرم می‌خواستند .

هیئت منصفه بوضعی که امروز در کشورهای اروپائی وجود دارد دیگر جنبه مذهبی ندارد و رل ژوری در زمان حال قضاوت کردن در احکام نیست بلکه اظهار نظر درباره امر واقع و رسیدن بواقعیت است که جواب آن « بله » یا « نه » در مورد اتهام است هیچ لزومی ندارد که علت اظهار نظر خود را بنماید .

برای اینکه نحوه عمل اعضاء هیئت منصفه را برای قضاوت درباره امر مورد بحث روشن کنم ماده ۳۴۲ قدیم قانون جزای فرانسه را بشرح زیر متذکر میشوم :

« قبل از شروع مذاکرات رئیس هیئت منصفه اطلاعات زیر را برای اعضاء هیئت منصفه میخواند بعلاوه در اطاق خود در محلی که جلو نظر باشد آن اطلاعات را با حروف بزرگی اعلان میکند :

قانون از اعضاء هیئت منصفه سؤال نمیکند که بچه وسیله آنها مجاب شده اند . قانون ابدأ بآنها حکم نمیکند آنقواعدیرا که مخصوصاً کمال و کفایت یک دلیلی بستگی بآنها دارد رعایت نمایند . قانون به هیئت منصفه حکم میکند که درسکوت و خاطراری جمع از خود سؤال و پرسش نماید و از روی صداقت و وجدان در پی آن باشد که بدانددلایلی که از طرف متهم اقامه شده و همچنین وسایل دفاع آنها چه اثری در آنها داشته اند . قانون بهیچ وجه بآنها نمیگوید که تمام اسوری که از ناحیه این یا آن گواه تصدیق شده راست به‌پندارند »

حال نکته‌ایرا که باید توضیح دهم آنست که قوانین جزائی کشور ما اقتباسی از مواد قوانین خارجی از قبیل فرانسه و بلژیک و غیره است . البته آن کشورها قوانین خود را با مطالعه دقیق آن و در نظر گرفتن اوضاع و احوال و بررسی دقیق جرائم و وضعیت سیاسی کشور خود وضع کرده و کشور ما باتقلید سریع از آن کشورها بعضی از این قوانین را اقتباس کرده است .

اگر در محاکمات هیئت سیاسی تاکنون هیئت منصفه شرکت نمیکردند نه از آن لحاظ بود که وجود آن هیئت را لازم نمیدانستند که اظهار نظر و قضاوت صحیح در امور مطبوعاتی و سیاسی مینماید بلکه اغراض سیاسی وجود داشته که محاکمات مطبوعاتی و سیاسی دور از انظار جامعه دور از واقعیات باشد .

البته در قوانین و تفاسیر خارجی بحث در این باب بسیار شده که آیا جرائم سیاسی و غیر سیاسی باید از هم تفکیک بشوند یاخیر ؟

آیا هیئت منصفه وجودش مؤثر در تحقق عدالت هست یا خیر ؟

آیا متهمین سیاسی باید مورد احترام بوده و امتیازاتی برای آنها قائل شد یا خیر ؟
علت اینکه میگویند قضاوت عادلانه و بیطرفانه در امور سیاسی بشکل است
و اینکه میگویند نباید جرائم را به جرائم سیاسی و غیرسیاسی تفکیک کرد از آن جهت است
که گفته میشود : وقتی که امر سیاست در بین است عدالت وجود ندارد . حتی
باز اضافه میکنند که در سیاست عدالت وجود ندارد ، زیرا کسانی که در این دو فن
کار میکنند فن سیاست و فن عدالت نحوه تفکرشان مغایر یکدیگر است . از این لحاظ و قتی که
شخص عادل و وارد در امور سیاسی میشود دیگر او عادل نمیتواند باشد . در صورتیکه و قتی که
یک نفر سیاسی از روی وجدان علاقمند به کار دادگستری میشود او نباید یک سردسیاسی
تلقی شود .

(این جانب بشخصه در این باره و این نظریه توافق کاملی ندارد و شاید هم نظر
مخالف داشته باشد .) روی همین نظریه فوق عقیده داشتند که هیئت منصفه فقط باید
در باره جرائم غیرسیاسی قضاوت کند . ولی تجربه نشان داد که اگر قضاوت را بخواهند
فقط بحکومت بدهند و از توده های ملت در قضاوت شرکت نکنند آثار سوئی ظاهر میشود
بخصوص در جوامعی که انسانیت سیر قهرائی دارد رژیم خشنی علیه متهمین سیاسی بطور
وحشیانه ای اعمال میشود .

در سال ۱۸۳۰ که حزب لیبرال در فرانسه سرکار آمد و نیز در موقع مخالفت
خود در پارلمان وعده ها داده بود قانونی تصویب کرد که بموجب آن جرائم سیاسی به هیئت
منصفه واگذار شد در سال ۱۸۳۲ یک درجه بندی خاصی برای جرائم وجود آمد .

اینکه برای مجرمین سیاسی و جرم سیاسی امتیازی قائل میشوند از لحاظ قصد
خیرخواهانه و غایت عالی آنهاست . زیرا یک مجرم سیاسی از علل افتخار آمیز ، از عشق
بوطن ، از علاقه بازادی و از میل به خیر عمومی الهام میگردد .

ولی ناگفته نماند با اعطاء امتیاز به متهمین سیاسی و واگذاری قضاوت درباره آنها
به هیئت منصفه باز تاریخ نشان داده است که هیئت منصفه رأی های وحشتناکی صادر
کرده که هنوز در تاریخ ثبت است و گفته میشود صدرحمت بهمان هیئت قضات !

بالاخره از آنجائیکه عقیده دارند که هیئت منصفه مأمور مقید و تابع صرف احکام
و مقررات خشک قانونی نیست و از لحاظ اینکه گفته میشود هیئت منصفه باید احساسات
توده ملت را منعکس بکند و شاید هم بکند شایسته است که در یک حکومت دموکراسی
این هیئت در مذاکراتی که مربوط بامور عمومی است شرکت کند :

حکومت دموکراسی که عبارت از حکومت مردم بر مردم است و حکومت یک عده
تحت کنترل یک توده مردم است تصور می رود که انتخاب چند نفر از مردم کشور از روی قرعه
بعنوان هیئت منصفه میتواند ترجمان غیر مستقیم ولی موصوف ملتی که خود باید بر خود
حکومت کند باشد اینست نکته اصلی انتخاب هیئت منصفه :